

علل مرتبط با تحولات جمعیت ایران در طول چهار قرن

دکتر خسرو مرآت

ایران در گذشته کشوری پرجمعیت برای زمان خود بوده است و در آن شهرهای پرجمعیتی مانند ری، نیشابور، همدان، اصفهان وجود داشته و در زمان آبادانی در شهر نیشابور بیش از یک میلیون نفر زندگی می‌کردند و عنوان ابرشهری را به خود اختصاص داده بود. باید در نظر داشت که ایران امروز قسمتی از ایران بزرگ گذشته است. در این بررسی، اطلاعات جمعیتی مربوط به دوران صفویه و بعد مورد کنکاش قرار گرفت، هر چند که سرحدات کشور تغییراتی داشته است. سرحدات کشور در زمان صفویه از شمال شرقی رود جیحون، (مرز میان ایران و قوم ازبک) و از شرق قندهار و ایالت کلات (مرز با دولت هند را تشکیل می‌داده است). در منطقه شمال غربی نواحی شیروان، داغستان و گرجستان جزو مناطق مرزی محسوب می‌شده است و آنها بیشتر از دولت مرکزی ایران اطاعت می‌کردند، در صورتی که بخشهایی از ارمنستان بیشتر از دولت عثمانی پیروی می‌کرد، و دو شهر وان و بدلیس مدت‌ها در تصرف دولت ایران بود و در اواخر صفویه عراق به دست دولت عثمانی افتاد.

ارتباطات و حمل کالا به لحاظ حفاظتی با وجود جاده‌های مناسب و کاروانسراهای لازم از رونق چشمگیری برخوردار بود و تمام داد و ستدها و راه‌های مواصلاتی میان شرق و غرب از ایران می‌گذشت و نیز محصولات ایران از قبیل پارچه، فرش، چینی و لوازم دیگر زندگی با کیفیت خوب و طرح‌های جالب در سرتاسر جهان خواستار داشت.

اختراع چاپ و گذر از دماغه امید راه بازرگانی جدیدی میان اروپا و شرق گشود. همچنین اختراع کشتی بخار و حفر و ایجاد کانال سوئز و انقلاب صنعتی در اروپا سبب پیشرفت سریع صنایع در آن منطقه گردید.

حمله افغان به ایران صدمات جبران ناپذیری به جمعیت و آبادانی کشور وارد کرد و مردم را با مشکلات بسیاری روبرو ساخت. در نتیجه جنگ‌های داخلی و شیوع امراضی مانند طاعون و وبا شایع

گردیده و از طرفی نیز به علت نبودن تسهیلات درمانی کافی و فقدان وسایل حمل و نقل، انتقال مواد غذایی از شهری به شهر دیگر غیر ممکن گردید. اوضاع بقدری اسفناک و آشفته بود که جمعیت شهر بزرگ اصفهان که بالغ بر یک میلیون می‌گردید، بعد از حمله افغان به کمتر از ده هزار نفر تنزل یافت. این دوران، دوره ناامنی در ایران محسوب می‌شد. دولت روسیه از شمال و دولت عثمانی قسمت‌های غربی مناطق ایران را به تصرف خود درآورده بودند. در دوران سلطنت دودمان افشاریه بویزه در زمان نادر^(۸)، سرحدات ایران در مشرق گسترش یافت و مرز ایران از رود سند هم گذشته و به پنجاب و دهلی هم رسیده بود. در شمال شرقی رود جیحون منتهی‌الیه مرز ایران گردید و در شمال غربی قفقاز که در دوران فتنه افغان به تصرف روسیه درآمده بود به ایران برگردانیده شد و سرحد شمال غربی را دوباره کوه‌های قفقاز تشکیل می‌داد. و حدّ غربی ایران سالها به رود دجله می‌رسید. در این دوران جنگ‌های داخلی و خارجی همچنان ادامه داشت. بعد از نادر، کشور دستخوش مبارزات و اختلاف سیاسی بسیار میان سران و سرداران مختلف قرار گرفت. احمدخان درانی فرمانده سپاه ازبک و افغان با نیروی ده‌هزار نفری مایل بود که انتقام کشته‌شدن نادر را بگیرد. اما، شکست خورده و به قندهار عقب نشست و مقداری از جواهراتی را که نادر با خود از هند آورده بود بهمراه خود برد. کوه نور که امروز در میان جواهرات سلطنتی انگلستان است، یکی از آن جواهرات بود. در دوران حکومت زندیه بخصوص در زمان کریم‌خان زند، (بعد از رسیدن وی به قدرت) در نقاطی که زیر فرمان او بود آرامشی حکمفرما گردید. وی بیشتر نواحی جنوب و جنوب غربی ایران را تحت فرمان داشت. خراسان در اختیار شاه‌رخ‌شاه و قندهار و هرات در اختیار احمددرانی بود. در زمان حکومت قاجار، آقا محمدخان قاجار برای به دست آوردن حکومت کشتار بسیار نمود و تلفات بسیاری به جمعیت کشور وارد گردید. هرچند که در زمان او کشور ایران یکپارچه گردید (نقشه).

در دوران دومین شاه قاجار دو جنگ با روسیه انجام گرفت که منتهی به قراردادهای گلستان و ترکمن‌چای (۱۲۴۲ هجری قمری) گردید، که باعث جدا شدن قسمتی از خاک ایران شد. در قرارداد گلستان ولایت‌های قره‌باغ، گنجه، شکی، شروان، دربند، باکو و قسمتی از طالش و سرتاسر داغستان و گرجستان از ایران جدا گردید. در قرارداد ترکمن‌چای قسمت عمده دشت‌مغان، لنگران و بقیه قفقاز

۱. در آخرین نبرد با دولت عثمانی نادرشاه متوجه گردید که خطر از اروپاست، نه از کشورهای اطراف ایران و یک تخت جواهرنشان و مقداری هدایای دیگر برای سلطان عثمانی فرستاد. نادر پس از این واقعه کشته شد.

از ایران جدا گردید. کوششهایی که در اواخر دوره قاجاریه بخصوص در زمان مشروطیت در جهت ایجاد جاده و راه آهن و تولیدات صورت گرفت، نافرجام مانده و یا به کلی از بین رفت. جنگهای داخلی طولانی در زمان انقلاب مشروطیت صدماتی به جمعیت کشور وارد آورد. تغییرات جمعیت کشور از سال ۱۰۰۰ هـ ش تاکنون، به شرح زیر برآورده شده است:

| سال | تعداد جمعیت |
|------|-------------------------------|
| ۱۰۰۰ | ۴۰٫۰۰۰٫۰۰۰ |
| ۱۰۵۰ | ۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ |
| ۱۱۰۰ | زمان یورش افغان اطلاعات دقیقی |
| ۱۱۵۰ | در دست نیست |
| ۱۲۱۷ | ۶٫۰۰۰٫۰۰۰ |
| ۱۲۴۸ | ۵٫۰۰۰٫۰۰۰ |
| ۱۲۶۰ | ۵٫۰۰۰٫۰۰۰ |
| ۱۲۷۳ | ۷٫۰۰۰٫۰۰۰ |
| ۱۲۸۹ | ۹٫۰۰۰٫۰۰۰ |
| ۱۳۰۰ | ۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰ |
| ۱۳۱۶ | ۱۵٫۰۰۰٫۰۰۰ |
| ۱۳۲۲ | ۱۶٫۰۰۰٫۰۰۰ |
| ۱۳۳۵ | ۱۸٫۹۵۰٫۰۰۰ |
| ۱۳۴۵ | ۲۵٫۷۸۸٫۰۰۰ |
| ۱۳۵۵ | ۳۳٫۷۸۰٫۰۰۰ |
| ۱۳۶۵ | ۴۹٫۴۴۵٫۰۰۰ |
| ۱۳۷۰ | ۵۵٫۸۳۷٫۰۰۰ |
| ۱۳۷۴ | ۶۲٫۰۰۰٫۰۰۰ |

این اطلاعات با استفاده از منابع داخلی و خارجی و بررسیهای لازم گردآوری شده است

به‌طورکلی، ملاحظه می‌شود که از بین عوامل عمده مؤثر بر تحولات جمعیتی کشور باید از جنگهای پی‌درپی، ناامنی، ازدست دادن موقعیت ترانزیتی، سلطه اجانب، محیط‌ها، بروز بیماریهای واگیردار و تجزیه خاک ایران به‌عنوان علل عمده تحولات جمعیتی در زمینه کاهش جمعیت و امنیت و توسعه فعالیتها به‌عنوان علل افزایش جمعیت یاد کرد.

فهرست منابع:

۱. تاریخ جمعیت جهان از: کالین مک‌آودی و ریچارد وچونز، ترجمه مهسا، مقدم، علی‌رضا نوری کرمودی، چاپ اول مشهد، ۱۳۷۲.
۲. هجوم افغان و زوال دولت صفوی، تألیف جونس هندی، ترجمه دکتر اسماعیل دولشاهی، انتشارات بزدان، چاپ اول تابستان ۱۳۶۷.
3. *Wars and Population B. Uralnis.*
۴. تاریخ ایران، جلد دوم، چاپ دوم، تألیف سریرسی سایکس، ترجمه فخردانی گیلانی، مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی.
۵. رهبران مشروطه، جزوه، صنیع‌الدوله، ۱۳۴۲.
۶. مرزهای ایران در ادوار مختلف تاریخ، چاپ فتو زبراکس، دوره میرحیدر، شورای عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی، خرداد ۱۳۵۴.
7. *Adrien Babli Aberge De Geographie, 1872.*
8. *Almanache De Gotha, 1898, Justus Perthes London.*
9. *Dourville Voyage En Prese En, 1812, Paris, 1815.*
10. *Eley Aucher Rebations De Voyage En Orien De, 1830 A 1838, Paris 1842.*
11. *De Seroy Conte De Seray Une Ambassade Extrodinaire La Perse En 1838, Paris 1946.*
12. *Thmson La Perse Sa Population Se Revenux Son Armee Se Commerce Volxvill, Paris, 1869.*
13. *Lebrun Renaud - La Perse Politigue Et Militaire.*
۱۴. سرشماری سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۳۵.
۱۵. سرشماری مرکز آمار ایران، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰.